

فهرست مطالب

چکیده	۷
مقدمه	۱۳
فصل اول: مفاهیم و مبانی تحقیق	۱۵
۱-۱- مفاهیم و اصطلاحات ضروری	۱۵
۱-۱-۱- اثر چیست:	۱۵
۱-۱-۲- تعریف هنر	۱۵
۱-۱-۳- حق و مالکیت	۱۶
۲-۱- سابقه تاریخی حقوق مالکیت	۱۸
۳-۱- مفهوم حقوق معنوی در مالکیت فکری	۲۱
۱-۳-۱- تفاوت حقوق معنوی و حقوق مالی و غیرمالی	۲۲
۲-۳-۱- تفاوت حقوق معنوی و حقوق عینی و دینی	۲۲
۴-۱- نظراتی که حقوق فکری را در زمره حقوق غیرمالی محسوب می‌کند	۲۳
۱- ۴ - ۱- نظریه حقوق شخصی	۲۳
۱- ۴ - ۲- نظریه حقوق اخلاقی طبق این نظریه	۲۴
۵-۱- نظریات مختلف پیرامون ماهیت حقوق پدیدارآوردگان	۲۶
۱-۵-۱- نظریه حقوق طبیعی	۲۶
۱-۵-۲- نظریه کار- محور	۲۷
۱-۵-۳- نظریه مالکیت عینی	۲۸
۱-۵-۴- نظریه مالکیت غیرمادی	۲۹
۶-۱- سیر تاریخی حمایت‌های بین‌المللی از آثار سینمایی	۳۰
۷-۱- کنوانسیون برن	۳۰

- ۱-۷-۱- تاریخچه کنوانسیون برن ۳۱
- ۲-۷-۱- آثار مورد حمایت ۳۳
- ۳-۷-۱- تعریف کنوانسیون برن ۳۵
- ۸-۱- کنوانسیون جهانی کپی‌رایت ۳۶
- ۹-۱- موافقت‌نامه‌ی راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) ۳۸
- ۱۰-۱- معاهده‌ی کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری ۴۱
- ۱۱-۱- آثار مورد حمایت از حیث پدیدآورندگان ۴۳
- ۱-۱۱-۱- پدیدآورنده واحد: ۴۳
- ۲-۱۱-۱- پدیدآورندگان متعدد: ۴۴
- ۱۲-۱- آثار مورد حمایت از حیث موضوع ۴۵
- ۱-۱۲-۱- آثار مشترک: ۴۵
- ۲-۱۲-۱- آثار جمعی ۴۸
- ۳-۱۱-۱- آثار مرکب ۵۱
- فصل دوم: مالکیت فکری ۵۳
- ۱-۲- مالکیت فکری ۵۳
- ۲-۲- تاریخچه‌ی مالکیت فکری ۵۴
- ۳-۲- بررسی شاخه‌های مالکیت فکری و نقدی بر آن ۵۶
- ۱-۳-۲- شاخه مالکیت صنعتی؛ ۵۶
- ۲-۳-۲- شاخه مالکیت ادبی و هنری ۵۶
- ۳-۳-۲- عزم جهانی ۵۸
- ۴-۲- WIPO ۶۱
- ۱-۴-۲- توضیحی کوتاه پیرامون موضوعات داخل در محدوده کپی‌رایت و حقوق مشابه آن ۶۲
- ۲-۴-۲- حقوق مشابه کپی‌رایت؛ ۶۴
- ۵-۲- حقوق مالکیت فکری در ایران ۶۵
- ۱-۵-۲- سوابق توجه قانون‌گذار ایرانی به مالکیت فکری ۶۵
- ۲-۵-۲- درباره مالکیت ادبی و هنری ۶۸

۶-۲	بررسی جایگاه مالکیت ادبی و هنری در نقد قوانین مربوطه.....	۷۰
۷-۲	نرم‌افزارهای رایانه‌ای.....	۷۴
	فصل سوم: بررسی تأثیر کنوانسیون برن در حقوق مالکیت فکری.....	۷۷
۱-۳	انواع حقوق مورد حمایت.....	۷۷
۱-۱-۳	حقوق مادی.....	۷۷
۱-۲-۳	حقوق مدنی.....	۷۹
۲-۳	اصول حاکم بر کنوانسیون برن.....	۸۰
۱-۲-۳	اصل رفتار ملی.....	۸۰
۲-۲-۳	اصل حمایت بدون تشریفات.....	۸۱
۳-۲-۳	اصل خلاقیت و نوآوری.....	۸۱
۲-۲-۳	اصل استقلال حقوق.....	۸۱
۳-۳	معیار حمایت از حق مالکیت فکری مورد حمایت این کنوانسیون برن.....	۸۲
۴-۳	مدت حمایت از حق مؤلف.....	۸۲
۱-۴-۳	مدت حمایت از حق مادی مؤلف.....	۸۳
۲-۴-۳	مدت حمایت از حق معنوی مؤلف.....	۸۴
۵-۳	مقررات ویژه به نفع کشورهای در حال توسعه.....	۸۵
	فصل چهارم: مزایا و معایب پیامدهای الحاق ایران به کنوانسیون برن.....	۸۷
۱-۴	مزایای سیاسی الحاق ایران به کنوانسیون برن.....	۸۷
۲-۱-۴	مزایای اقتصادی الحاق ایران به کنوانسیون برن.....	۸۹
۳-۱-۴	مزایای فرهنگی و اجتماعی الحاق به کنوانسیون برن.....	۹۱
۲-۴	بررسی ضعف‌ها، موانع و بیان راهکارها.....	۹۲
۱-۲-۴	در لزوم الحاق ایران به کنوانسیون‌های مربوط به کپی‌رایت و آثار آن؛.....	۹۲
	نتیجه‌گیری.....	۹۹
	پیشنهاد.....	۱۰۱

- ۱۰۳ضمائم (متن انگلیسی و فارسی کنوانسیون برن با تجدیدنظر و اصلاحات)
- ۱۰۳Latest text of Berne Convention (1971 Paris Act plus Appendix)
- ۱۳۷سند پاریس ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ اصلاحی ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹
- ۱۶۷فهرست منابع

مالکیت های فکری در قرن اخیر به علت رشد روز افزون تکنولوژی و ارتباط هر چه بیشتر ملتها و بهم نزدیکتر شدن فرهنگها و تمدنها از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است. حقوق مالکیت فکری امروزه به عنوان یکی از مسایل زیر بنایی سیستمهای نوین اقتصادی و ابزار مهم اساسی برای رشد اقتصادی و با ارزش ترین سرمایه در معاملات و داد و ستد های تجاری تلقی می گردد. به جهت نواقص و ابهاماتی که در قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری در کشور جمهوری اسلامی ایران وجود دارد اقتضا دارد قانونگذاران نسبت به این حقوق بی تفاوت نمانده و حمایت و نظارت لازم را نسبت به این حقوق با وضع قوانین و مقررات شایسته بیشتر نمایند. از جمله این نواقص و ابهامات میتوان به نقص موجود در اختراعات از قبیل: نحوه رسیدگی و ثبت، ضمانت اجرایی و کیفری، حق تقدم، اختراع اشتراکی و چگونگی ثبت اختراع همزمان اشاره کرد. همچنین در خصوص علایم تجاری و خدماتی که به عنوان مثال مدت حمایت از اظهارنامه علایم تجاری در صورت عدم پیگیری متقاضی در قانون فعلی مشخص نیست. همچنین در رابطه با اسامی تجاری نیز چون وزارت دادگستری تا کنون آیین نامه لازم را در اجرای ماده ۵۸۲ قانون تجارت تنظیم نکرده است حمایتی وجود ندارد. بنابر این به نظر میرسد با توجه به اسناد بین المللی موجود حمایت از حقوق مالکیت فکری خصوصاً به ابتکار کشورهای صنعتی مرحله تکاملی را طی کرده و این روند تبعاتی را برای کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه و کشور خودمان در پی خواهد آورد، در گام دوم بررسی پیامدهای منفی و مثبت حمایت از این حقوق در میان اعضای جامعه جهانی، کشور های در حال توسعه و ایران به یک استراتژی هدفمند و همراه با آگاهی احتیاج دارد. هر چند در حقوق کشورهای پشرفته مطالعات وسیع و دامنه داری در این موضوع شده و کتب متعددی توسط حقوقدانان به رشته تحریر در آمده است در کشور ما این موضوع کمتر مورد توجه واقع شده و منابع حقوقی به زبان فارسی در این باب نادر می باشد.

فصل اول:

مفاهیم و مبانی تحقیق

۱-۱- مفاهیم و اصطلاحات ضروری

۱-۱-۱- اثر چیست:

آنچه از طریق دانش، هنر و یا ابتکار پدید می‌آید؛ بدون در نظر گرفتن طریقه با روشی که در بیان، ظهور و یا ایجاد آن به کاررفته است، اثر اطلاق می‌شود. ^۱ بنابراین اثر باید اصیل، ابتکاری و خلاقانه باشد. ولو اینکه «نو» نباشد. به عبارت دیگر اگرچه مضمون و موضوع ممکن است در آثار مختلف یکسان باشد اما نحوه بیان هنری و پرداخت موضوع باید ناشی از ایده و خلاقیت ذهنی پدیدآورنده باشد.

۱-۱-۲- تعریف هنر

در تعریف هنر مفهوم «زیبایی» را مستتر دانسته‌اند و چون زیبایی امر نسبی است نمی‌توان به تعریف مشخص و یکسانی از دیدگاه فلاسفه و هنرمندان در این زمینه دست یابیم. هنر زبان مشترک انسان‌ها برای درک مفاهیم مختلف است که شاید در عالم واقع بهترین صورت جهت انتقال آن به افراد باشد. ^۲ افلاطون در کتاب دهم «جمهور» می‌گوید: کیفیات در عالم مقولات دارای صور مثالی «فرم‌های ایده آل هستند که مصداق‌های جهان، تجربه حسی چیزی جز نسخه‌بدل با تصویر آن‌ها نیست به این معنی که هنرمند را نسخه‌برداری می‌داند که یک صورت وهمی از واقعیات را به

^۱ - سالک، رضا، بهار ۱۳۷۸، نشریه فرهنگ و هنر، نقدسینما، ص ۳۶

^۲ - رید، هربرت، ۱۳۷۴، معنی هنر، ترجمه: تجف، دریا بندری، نشر علمی و فرهنگی، چاپ ۱۰، ص ۱۸

تصویر می‌کشد.^۱ تولستوی در مورد هنر می‌گوید: «هنر سرایت دادن و اشاعه احساس است»؛ اما نظری که اکثر اهل فن بر آن تأکید دارند: «آنچه ساخته دست آدمی باشد و زیبا بوده است را هنر دانسته‌اند. زیبایی را مترادف لذت می‌دانند. به نظر باو مارگاتنا زیبایی منشاء حقیقت است. (منبع پیشین، ص ۲۶) و زیبایی از نظر وینکل مان صور متصور و بیان است. ^۲ به دلیل آنکه مفهوم هنر و زیبایی امری نسبی است، بنابراین هنری مدنظر ما می‌باشد که در صحنه بین‌المللی دارای ارزش باشد یعنی قابل معامله باشد. چه بسا هنرهایی که از وجه زیبایی‌شناسی هم برخوردار هستند اما در عالم مادی نمی‌توان حقوقی را بر آن بار نمود. با وجود این لزوم حمایت از حقوق هنرمندان و آفرینندگان آثار هنری و ادبی باعث شده است که با مقوله حقوق مالکیت ادبی و هنری مواجه شویم. چراکه هنر قسم جدایی‌ناپذیر از زندگی بشری است. قبل از تعریف حقوق مالکیت معنوی لازم است در رابطه با کلمه‌های حق و مالکیت توضیح داده شود.

۱-۱-۳- حق و مالکیت

«حق در لغت به معنای راست، درست، ثابت، ضد باطل، یقین، عدل، نصیب و بهره آمده است.»^۳ در اصطلاح حقوقی، حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی به صورت مستقیم استفاده نموده و یا انتقال مالی و انجام کاری را از دیگری بخواهند. حق از نظر ماهیت دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- قابلیت اسقاط آن از ناحیه اشخاص
- ۲- امکان نقل و انتقال آن به اسباب انتقال قهری و ارادی
- ۳- امکان تعهد علیه آن ^۴ نظر به مراتب فوق می‌توان گفت که حق عبارت است از سلطه‌ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیء جعل و اعتبار می‌شود ^۵ مالکیت حق استعمال و تصرفات به هر صورت از سوی مالک در ملک و مال خود به جز مواردی که در قانون استثناء شده، می‌باشد.^۶

^۱ تولستوی، لئون، ۱۳۸۷، هنر چیست؟ ترجمه: کاوه دهگان نشر: امیر کبیر، ص ۸۰

^۲ - گات، بریس، مک آیورلوپس، دومینیک، ۱۳۸۴، دانشنامه می‌زیبایی‌شناسی، ترجمه: گروه مترجمانف منوچهر صانعی دره بیدی، مسعود قاسمیان، فرهاد ساسانی، چاپ اول، نشر فرهنگستان هنر، ص ۲۵۳

^۳ - عمید، حسن، ۱۳۸۹

^۴ - محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۴، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، چاپ اول، ناشر: سمت، تهران

^۵ - منبع پیشین، ص: ۲۵۴

^۶ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۰، ترمینولوژی حقوق چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش، ص ۹۱

مالکیت مهم‌ترین حق عینی است و عبارت است از رابطه‌ای است بین شخص و شیء که به وی حق همه گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد.^۱ با توجه به تعاریف فوق، مالکیت حقی مطلق و انحصاری است. مالکیت حقی است مطلق زیرا این حق به صاحب آن اجازه می‌دهد که هرگونه تصرفی در مال خود نموده و هر نوع بهره‌ای از آن ببرد، مگر آنچه به موجب قانون استثناء شده باشد. مالکیت حقی است انحصاری زیرا مالک حق دارد منحصرأً از مال خود بهره‌مند شود و از تصرفات دیگر آن در آن جلوگیری نماید، هرچند که این تصرفات هیچ ضرری به حال او نداشته باشد. ^۲ هنگامی که مالکیت به‌طور مطلق و بدون قید بکار می‌رود. منظور مالکیت عین است؛ اما مالکیت شامل منفعت نیز هست. به‌علاوه امروزه کلمه مالکیت برای پاره‌ای حقوق که همانند حقوق عینی است ولی موضوع آن شیء معین عادی نیست، بلکه فعالیت فکری انسان است، نیز به کار می‌رود. ^۳ معنوی در لغت به معنای باطنی، حقیقی و مقابل مادی، ظاهری و صوری به‌کاررفته است. ^۴ معنوی در اصطلاح حقوق مالکیت معنوی صرفاً اشاره بر این دارد که متعلق حق مادی نیست بلکه فعالیت فکری انسان است. برخی از حقوقدانان اصطلاح «مالکیت‌های فکری» را مناسب تشخیص داده‌اند و معتقدند که کلمه معنوی در لغت منسوب به معنی و مقابل مادی و صوری توصیف‌شده است. حال آنکه منشاء این حقوق فکر و اندیشه و تعقل انسان‌هاست. ^۵ لکن تعدادی از حقوقدانان، اصطلاح «حقوق مالکیت معنوی» استفاده می‌کنند چراکه معتقدند همه موضوعات مالکیت‌های معنوی الزاماً در اثر تفکر و اندیشه ایجاد نمی‌گردد، بلکه برخی از آن‌ها تنها به لحاظ اینکه وجود مادی ندارد. در این مقوله جای می‌گیرد مانند سرقتی. ^۶ اما با توجه به نظر بزرگان حقوق مدنی اصطلاح «حقوق مالکیت معنوی» برای به‌کارگیری در این مقوله بهتر به نظر می‌رسد و ارجح است. در معنای وسیع حقوق مالکیت معنوی شامل آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری است. اما به‌طور سنتی حقوق مالکیت معنوی به دوشاخه اصلی حقوق مالکیت صنعتی و

۱ - صفایی، سید حسین، ۱۳۷۹، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ص ۱۴

۲ - منبع پیشین، ص ۱۶۹

۳ - منبع پیشین، ص ۱۷۰

۴ - معین، محمد، ۱۳۸۰، فرهنگ فارسی، جلد چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۴۱

۵ - امامی، سید حسن، ۱۳۹۱، حقوق مدنی، تهران، جلد اول، کتابفروشی اسلامی، ص ۶۷

۶ - وصالی محمود، رضا، ۷۹-۱۳۷۸، تجزیه و تحلیل مقررات مربوط به علائم تجاری در حقوق ایران و تطبیقی، پایان نامه،

بخش ادبی و هنری تقسیم می‌شود که در حال حاضر تنها به آثاری که در زمینه مالکیت ادبی و هنری قرار می‌گیرند، پرداخته می‌شود. به‌طور خاص به سینما پرداخته می‌شود. کنوانسیون برن در بند ۲۰ ماده ۲۰ صراحتاً شرط حمایت از آثار ادبی و هنری را چنین بیان می‌دارد: «حمایت از آثار ادبی و هنری شروط بر آن است که به‌صورت مادی تجلی‌یافته باشند. البته این به معنی عدم‌حمایت از آثاری که در محیط‌های الکترونیکی با روش‌های دیگر (نرم‌افزارها) و (پایگاه‌های داده) خلق می‌شوند، نیست. چراکه آن‌ها هم در قالب مادی و هم غیرمادی قرار می‌گیرند. طبق تعریف سازمان جهانی مالکیت معنوی مالکیت معنوی شامل حقوق مربوط به موارد زیر خواهد بود: ۱- آثار ادبی و هنری و علمی ۲- نمایش‌های هنرمندان، بازیگران، صداها، ضبط‌شده و برنامه‌های رادیویی ۳- اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان ۴- کشفیات علمی ۵- طراحی‌های صنعتی ۶- علائم تجاری، علائم خدماتی، نام‌های تجاری و عناوین ۷- حمایت در برابر رقابت نامطلوب ۸- سایر حقوقی که ناشی از فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می‌باشد.

۱-۲- سابقه تاریخی حقوق مالکیت

درباره وجود حق مؤلف در عهد باستان مستند به مطالعات محققانی به نام خانم «داک» موردی نقل شده است که مربوط به سیسرون خطیب توانای رومی است. او در نامه‌ای به دوست و ناشر خود آتیکوس از اینکه بدون رضایت او به «بالوس» اجازه داد تا یکی از آثار او را به نام خود منتشر کند، ملامت می‌کند. خانم «داک» بر این باور است که حق ناشر اثر به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق معنوی در عهد باستان در رم قدیم وجود داشته است اما به دلیل فقدان متن قانونی در این زمینه آن را از منزلت مطلوب اجتماعی نویسندگان آن زمان و دریافت پاداش‌های نقدی و در نتیجه بی‌نیازی آنان از رسمیت بخشیدن به امتیازات مکتسبه دانسته است؛ اما شماری از حقوق‌دانان باوجود حقوق معنوی مؤلفان در روزگار باستان رأی موافقی نداشته‌اند. گروهی آن را به فیلسوف قرن ۱۹ کانت نسبت داده است و پاره‌ای گفته‌اند وجود چند حکایت برای اثبات یا نفی حق مؤلف تکافو نمی‌نماید. به نظر دکتر کیوان آذری شاید علت اساسی تفاوت دیدگاه‌های یادشده، این می‌باشد که آنان از یک نوع حقوق هنری سخن نمی‌گویند. چراکه برخی حقوق معنوی را مظهری از حقوق

طبیعی شمرده و بعضی جزء حقوق موضوعه می‌باشد.^۱ علی‌رغم عدم وضوح منشاء و خاستگاه حق مؤلف در هزارتوی تاریخ، وجود چند واقعیت انکارناپذیر است: در همه جوامع استفاده از اثر دیگری و انتفاع از اثر وی بدون رضایت و اجازه او امری قبیح و ناشایست تلقی گردیده است. چنانچه در تاریخ یونان باستان هم آمده است. «هومودور» که از شاگردان و مریدان افلاطون بوده و یادداشت‌های درس نگاشته شده در محضر استاد را بدون اجازه او در سیسیل به فروش می‌رساند. (آذری، کیوان) در همین راستا ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: ... هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار فرهنگی، ادبی و هنری خود برخوردار شود. برای نخستین بار در قرن ۱۸ امانوئل کانت دانشمند و فیلسوف آلمانی به حق اخلاق مؤلف اشاره کرد و به دنبال آن، حقوقدانان این نظریه را تأیید کردند و در سال ۱۹۲۸ برای نخستین بار کنفرانس بین‌المللی رم، حق اخلاقی مؤلف را به‌طور رسمی مورد شناسایی قرار داده است و به دولت‌های عضو اتحادیه «برن» توصیه کرد که قوانین حق مؤلف را در این زمینه تکمیل کنند. نیاز به حمایت بین‌المللی مالکیت معنوی زمانی آشکار شد که عده‌ای از مبتکران و مخترعان از بیم آنکه ایده‌شان مورد سرقت قرار بگیرد. از شرکت در نمایشگاه بین‌المللی اختراعات در وین (۱۸۷۳) خودداری کردند. برای حل این مشکل اجلاس پاریس در سال ۱۸۸۳ برای حمایت از مالکان صنعتی تشکیل شد. دستاورد این اجلاس، انعقاد اولین معاهده بین‌المللی بود که به‌موجب آن افراد یک کشور می‌توانستند از مصونیت تراوش‌های فکری و خلاقیت‌های خود در سایر کشورها در برابر سوءاستفاده احتمالی افراد سودجو مطمئن شوند. کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۴ با عضویت ۸۴ کشور تشکیل شد و رسمیت یافت. کشورهای عضو یک دفتر بین‌المللی تأسیس کردند که وظیفه امور اداری از قبیل سازماندهی جلسات کشورهای عضو را به عهده داشت. در سال ۱۸۸۶ کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری یا همان کپی‌رایت وارد صحنه شد. هدف این کنوانسیون کمک به مردم کشورهای عضو بود تا بتوانند از حمایت بین‌المللی در مورد آثار ذیل بهره‌مند شوند:

- ❖ رمان - داستان کوتاه - شعر - نمایشنامه
- ❖ ترانه - اپراها، موزیکال‌ها و سونات‌ها
- ❖ تابلوهای نقاشی، مجسمه‌ها و آثار معماری

^۱ آیتی، حمید، ۱۳۷۵، حقوق آفرینشهای فکری. تهران: نشر حقوق دان، ص ۷۳

کنوانسیون برن نیز مانند کنوانسیون پاریس یک دفتر بین‌المللی برای انجام امور اداری تأسیس کرد در سال ۱۸۹۳ این دو دفتر با یکدیگر ادغام شدند و سازمان بین‌المللی به نام "دفتر بین‌المللی متحد حمایت از مالکان معنوی را تشکیل دادند. این سازمان کوچک که مرکز آن در برن سوئیس بود. در آغاز فقط ۷ عضو داشت. اما هم‌اکنون حدود ۱۷۹ عضو داشته است و با توسعه تکنولوژی فضای جدید ارتباطی در حال گسترش است. سازمان جهانی مالکیت معنوی در سال ۱۹۷۴ به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد شناخته شد. اهداف این سازمان در چارچوب ارتقای حمایت از دارایی فکری در سراسر دنیا با همکاری میان ۱۷۸ کشور عضو و تضمین همکاری اجرایی و اداری بین اتحادیه‌های تأسیس یافته است به‌منظور تأمین حمایت درزمینهٔ دارایی فکری می‌باشد. هرچند که سنگ بنای فعالیت‌ها و معاهدات کنوانسیون‌های پاریس و برن هستند. ولی کنوانسیون‌هایی که بعد از آن‌ها به وجود آمدند. فعالیت این سازمان جهانی را ستوده‌تر و عمیق‌تر کرده‌اند به‌نحوی که تکنولوژی جدید را نیز در برمی‌گیرند. از میان کنوانسیون‌هایی که در چارچوب سازمان جهانی مالکیت معنوی انعقاد یافته و با مدیریت می‌شوند. چهار کنوانسیون بنیادین وجود دارد که به‌طور اساسی نظام حقوقی حاکم بر مالکیت‌های فکری را در برمی‌گیرد.

❖ کنوانسیون برن

❖ کنوانسیون رم

❖ کنوانسیون پاریس

❖ معاهده واشنگتن

در سال ۱۹۹۶ موافقت‌نامه همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی با سازمان تجارت جهانی سبب شد که نقش آن بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. مراجع مهم تصمیم‌گیرنده این سازمان: مجمع عمومی، کنوانسیون کمیته هماهنگی و دفتر بین‌المللی است. تعداد معاهدات بین‌المللی این سازمان ۲۲ معاهده است که ۱۶ معاهده در مورد مالکان صنعتی و ۶ معاهده راجع به کپی‌رایت است. بخش بنیادین فعالیت‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی در ترویج حمایت از مالکان معنوی، ایجاد موازین و استانداردهای بین‌المللی است.^۱

^۱ - کریمی فرد، علیار، ۱۳۸۵، مقاله حق مالکیت فکری سال پنجم، شماره ۵۳، ص ۵

۱-۳- مفهوم حقوق معنوی در مالکیت فکری

از دیگر تفاوت‌های بین نظام حق مؤلف و نظام کپی‌رایت میزان ارزش‌گذاری معنوی و میزان حمایت از حقوق معنوی است. «در نظام حق مؤلف حقوق معنوی پدیدآورنده از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. (زر کلام، ستار، همان) مفهوم حقوق معنوی را می‌توان در اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های بین‌المللی یافت مثلاً در بازنگری کنوانسیون برن در سال ۱۹۲۸ ماده ۶۰ مکرر کنوانسیون، صراحتاً حقوق غیرمادی (معنوی) را به رسمیت شناخته است. این ماده مقرر می‌دارد که «صرف‌نظر از حقوق مادی پدیدآورنده و حتی پس از انتقال این حقوق، پدیدآورنده حق استناد به سرپرستی اثر و مخالفت با هرگونه آسیبی به آن، که می‌تواند به حیثیت و شهرت او لطمه بزند، مخالفت کند». با بیان این مطلب می‌توانیم رابطه‌ای بین حقوق مؤلف که در نظام‌های رومی و ژرمنی به آن قائل هستند و حق معنوی برقرار کنیم. از آنجاکه در این نظام‌ها که پدیدآورنده به اثر معنا می‌بخشد بیشتر مفهوم حق معنوی را درک می‌کنیم. چراکه در حق معنوی اثر به‌واسطه‌ی شخصیت پدیدآورنده، معنا پیدا می‌کند. آنجا که اثر به دلیل فوق‌داری ارزش و اعتبار می‌شود، پس لزوم حمایت از خالق اثر بی‌تردید احساس می‌شود. «مالکیت معنوی ناشی از شخصیت آفریننده اثر است»^۱ که مبتکر آن گیر کا آلمانی است. همان‌طور که هر اثر توسط پدیدآورنده آن مورد حمایت قرار می‌گیرد و تعالی یک اثر علاوه بر وجه ظاهری آن می‌تواند بیانگر منظور آفریننده آن باشد. گاه بعدی عمیق و ژرف در لایه‌های پنهانی اثر نهفته است که نیاز به تشریح و تبیین از سوی پدیدآورنده دارد. همین امر اهمیت حمایت از پدیدآورنده و به تبع آن حق معنوی را نشان می‌دهد. چراکه پدیدآورنده، فکر خود، عقیده خود، هنر خود و خلاقیت خود را در اثر به‌کار برده است که بدون حضور وی آن اثر خلق نمی‌شد و آن هنر به مردم عرضه نمی‌گردید. به عبارت دیگر؛ یک اثر هنری تجسم خلاقانه ذهن یک انسان از پدیده‌های اطرافش است که در قالب موسیقی، نقاشی، کتاب، شعر و در نهایت «سینما» تجلی می‌یابد. در نتیجه چنین آثاری از آنجاکه ارتباط مستقیم با جامعه انسانی و فکر و سلاقی آن‌ها دارد، پس خالق این آثار نیز به‌عنوان مبنای این تأثیر باید مورد حمایت معنوی قرار گیرد که در بیشتر مواد و بیش از حمایت‌های مادی، مورد توجه قرار می‌گیرند. لویی ناپلئون در سال ۱۸۴۴ میلادی در نامه‌ای چنین نوشته است: اثر فکری ملکی مانند زمین و خانه است و باید از

^۱ - دکتر میرحسینی، حسن، ۱۳۹۱، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، نشر میزان، ص ۹

همان حقوق برخوردار باشد.^۱ یک سری از حقوقدانان با نظریه مذکور که آفریننده اثر نسبت به اثر خود یک حق مالکیت غیرمادی دارد، مخالفت هستند چراکه حق مؤلف و مخترع را حق مالکیت حقیقی نمی‌دانند. زیرا شیء غیرمادی چیز محسوسی نیست و تنها با فکر و اندیشه درک می‌شود، پس در این صورت ماهیت شیء غیرمادی با شیء مادی که با حس درک می‌شود و تجسم خارجی دارد، قطعاً تفاوت می‌کند.^۲

۱-۳-۱- تفاوت حقوق معنوی و حقوق مالی و غیرمالی

«حقوق غیرمالی آن است که اجرای آن نفعی که مستقیماً قابل تقویم به پول است، ایجاد نمی‌نمایند». با این تعریف باید گفته شود که حق غیرمالی با حق معنوی کاملاً متفاوت است، چراکه در حق معنوی شما با آثاری مواجه هستید که یکی از اهداف آفریننده اثر کسب نفع مالی از آن است یعنی آن اثر قابلیت دادوستد را دارد چراکه امروزه در حقوق مالکیت معنوی جنبه مالی رجحان دارد. حقوق مالی آن است که اجرای آن مستقیماً برای صاحبش ایجاد نفع می‌کند و می‌توان آن را به پول تقویم نموده اما در آنجا که یک فیلم‌ساز در مقابل انتقادها در مورد اثر خود توضیح می‌دهد و آن را تشریح می‌کند. در اینجا ما با حق معنوی روبه‌رو هستیم. آنجا که یک اثری در مقابل استفاده‌های نابجا (کپی) یا استفاده‌های غیرمجاز از آثار قرار می‌گیرد. حمایت از حق معنوی به‌واقع معنا پیدا می‌کند.

۱-۳-۲- تفاوت حقوق معنوی و حقوق عینی و دینی

حقوق مالی بر دو قسم است: حق عینی، حق دینی «حق عینی، حقی است که شخص نسبت به‌عین خارجی دارد که کامل‌ترین آن حق مالکیت است». «به‌عبارت‌دیگر حق عینی، سلطه‌ای است که شخص نسبت به چیزی دارد و می‌تواند آن را به‌گونه‌ای مستقیم و بی‌واسطه اجرا کند.»^۳ سایر حقوقدانان نظیر دکتر صفایی، دکتر درودیان و مرحوم

۱- صفایی، منبع پیشین، ۱۳۷۹، ص ۶۳

۲- السهوری، عبدالرزاق، ۱۳۸۴، الوسیط، جلد ۸، چاپ بیروت، ص ۲۷۸، به نقل از رضا وصالی محمود، ص ۱۶۹

۳- امامی، سید حسن، ۱۳۹۱، حقوق مدنی، تهران، جلد اول، کتابفروشی اسلامیه، ص ۱۱۴

۴- امامی، سید حسن، همان، ص ۱۲۶

۵- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: نظر شرکت سهامی، چاپ ۴۴

عدل نیز در تعاریفی که از حق عینی ارائه کرده‌اند، آن را حقی دانسته‌اند که نسبت شیء با شیء، معین مادی اعمال می‌گردد.^۱ «با توجه به این تعاریف، حقوق پدیدآورندگان در حوزه فیلم و سینما خارج از مصادیق حقوق عینی است، چراکه شامل شیء مادی یا مال موجود در خارج نیست. اما بعضی از حقوقدانان مثل دکتر شهیدی معتقدند که موضوع حق مؤلف را می‌توان عین تلقی نمود و در نتیجه احکام حقوق عینی را بر آن جاری ساخت»^۲. حق عینی خود به دودسته اصلی و تبعی تقسیم می‌شوند: حق عینی اصلی که عبارت است از حق انتفاع و استعمال موضوع حق به‌طور کامل، سه نوع است: الف: حق مالکیت: «کامل‌ترین حق عینی اصلی است که به‌موجب آن مالک حق همه گونه انتفاع و تصرف را در ملک خود پیدا می‌کند». به‌حق ارتفاق بر اساس ماده ۴۰ قانون مدنی «عبارت است از حقی است که به‌موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند». ج: «حق ارتفاق که به‌موجب آن، مالک مالی غیرمنقول (مجاور یا غیر مجاور) در ملک دیگری دارای حقی باشد مانند حق المجری، حق العبور و غیره»^۳. حق عینی تبعی: حق عینی تبعی، حقی است که به‌موجب آن عین معینی وثیقه طلب صاحب حق قرار می‌گیرد و برای او، حق استیفاء طلب خود را از محل آن مال در صورت امتناع مدیون از تأدیه دین خویش می‌دهد، موضوع حق عینی تبعی، همان وثیقه یا مال مورد رهن است. حق دینی: دومین نوع از حقوق مالی، حق دینی است که حق شخص است بر ذمه شخص دیگر، موضوع حق دینی ممکن است، انتقال مال، انجام کار یا عدم انجام کار باشد.

۱-۴- نظراتی که حقوق فکری را در زمره حقوق غیرمالی محسوب می‌کند

۱ - ۴ - ۱ - نظریه حقوق شخصی

بر اساس این نظریه، حقوق فکری نوعی حق شخصی است که صرفاً حافظ منافع پدیدآورنده است و جزء اموال او نیز محسوب نمی‌شود. در نتیجه قابل انتقال اختیاری یا قهری نیست. این نظریه قابل انتقاد است:

۱ - دکتر درودیان، حسن علی، ۱۳۷۸، جزوه درسی حقوق مدنی، ص ۱۹

۲ - شهیدی، مهدی، ۱۳۷۶، حقوق مدنی ۶، انتشارات میزان، ص ۶۵

۳ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۶، ص ۸۲

اولاً: بقای حق شخصی تا زمانی است که حیات فرد ادامه دارد، درحالی که حقوق فکری تا مدت زمان بعد از مرگ فرد هم ادامه می یابد. ثانیاً: حق شخصی غالباً غیرمالی است و در اثر اعمال آن به فرض غیرقابل انتقال بودن، فواید مالی حاصل می شود. ثالثاً: دخالت دولت ها در وضع قوانین مربوط به حقوق فکری این حقوق و از جنبه شخصی بودن صرف منابع ساخته است.

۱ - ۴ - ۲ - نظریه حقوق اخلاقی طبق این نظریه

حقوق فکری، حقوقی است که حفظ حرمت شخصیت افراد هدف آن است به این دلیل که موضوع آن ها، غیرمادی و غیرقابل تقویم به پول است. این حق، جنبه اخلاقی دارد و آنچه ارزش آن ها را تعیین می کند، ارزش اثر است. رابطه ای که بین این حقوق و مؤلف وجود دارد، غیرقابل ارزیابی با معیارهای مادی است و انسان و اثرش تفکیک ناپذیرند. آنچه در تمامی نظریات مذکور به آن توجه کافی نشده، این واقعیت است که حقوق فکری ترکیبی از دو حق مجزا با دو ماهیت کاملاً متفاوت است که نمی توان هر دوی آن ها را تحت یک عنوان واحد قرارداد. حقوق معنوی مؤلف، دارای شباهت هایی با حقوق غیرمالی است. اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که یکی از ویژگی های حقوق غیرمالی عدم قابلیت انتقال قهری از طریق توارث است. درحالی که در حق معنوی مؤلف، وارث مؤلف، قائم مقام او در اعمال حقوق معنوی در چارچوب مصالح مؤلف است. پس نمی توان مجموعه و کلیت (حقوق فکری) را با هر دو جزء تشکیل دهنده آن، تحت عنوان (مالکیت)، از هر نوع که باشد، قرارداد. به دلیل اینکه مالکیت چه بر اشیاء مادی و چه بر موضوعات غیرمادی، یک حق مالی است که اوصافی متفاوت با حقوق غیرمالی دارد. حقوق مادی مؤلف هم بدون تردید از مصادیق حقوق مالی است و می توان آن را از مصادیق حق مالکیت محسوب کرد و به همین دلیل؛ طبق بند ۱ ماده ۲۹ قانون مدنی که حق مالکیت را اعم از عین یا منفعت می داند، می توان با گسترش مفهوم مالکیت، حق مؤلف را نیز نوع خاصی از مالکیت تلقی نمود، چون: اولاً منفعت نیز مانند موضوع حقوق فکری، امری غیرمادی است.^۱ ثانیاً به حق مؤلف به دلیل اینکه واجد ارزش اقتصادی است، مال محسوب می شود و بنابراین قابلیت مالکیت دارد. اما مابقی که در اطلاق حق مالکیت بر حق مادی مؤلف، وجود دارد، این است که موضوع حق مالکیت به مفهوم کلاسیک شیء، مادی

۱ - آیتی، حمید، همان منبع، ص ۵۳

است. درحالی که موضوع حق مؤلف غیرمادی می‌باشد. ماده ۲۹ قانون مدنی هم در بند ۱ درجایی که حق مالکیت بر (عین) را قابل تحقق می‌داند، ظاهراً با این نظر منطبق است. دکتر شهیدی موضوع حقوق فکری را هم در زمره (عین) قرار داده‌اند. ایشان در این خصوص چنین می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که این گونه اموال را باید در ردیف اموال عینی بشمار آورد و احکام قانونی این اموال را نسبت به آن‌ها ثابت دانست. زیرا هرچند از جهات مختلف خصوصیات مادی و فیزیکی با اموال عینی معمول متفاوت است، لکن در مقام تحلیل مقایسه‌ای با دیگرگونه‌های اموال، ذهن درمی‌یابد که این گونه اموال هرگز نمی‌تواند در ردیف منفعت یا حق یا عمل جای گیرند». چه اینکه منفعت مالی است که از مال دیگر تولد می‌یابد و خود استقلال ندارد، بلکه وابسته به مال دیگری است و نیز حق، خود به لحاظ وابسته بودن به مال عینی دیگر با وابسته بودن به ذمه شخص که به‌طور غیرمستقیم با اموال او مرتبط می‌شود، فاقد استقلال است. نیز روشن است که آن مال را نمی‌توان مال به حساب آورد، درحالی که یک نرم‌افزار دارای وجود استقلالی است و از مال دیگر تولید نمی‌شود و از وابسته بودن به مال معین تحقق نمی‌یابد. بنابراین به نظر می‌رسد که این گونه اموال نیز همانند سایر اعیان می‌تواند مبیع قرار گیرد. اینکه می‌توان یک نرم‌افزار کامپیوتری، مثلاً هزارها نسخه به دست آورد و وجود و تحقق و آثار این مال در مصداق معین واحد، محصور نمی‌شود، عین بودن آن را از حیث احکام حقوقی منتفی نمی‌سازد و نمی‌توان نسخه‌های به‌دست‌آمده را در حقیقت از منافع نسخه اصلی به حساب آورد، بلکه همه نسخه‌های کپی شده از نسخه اصلی را در حقیقت باید نسبت به هم و یا نسبت به نسخه اصلی در نظر گرفت. مانند اموال مثلی «نظیر دوربین عکاسی با خودروهایی دارای مارک و مشخصات یکسان دانست که در عین تکثیر، از اعیان محسوب می‌شود و برای هیچ‌کدام از نسخه‌ها نمی‌توان از حیث مالیت، عرفاً هویت فردی شناخت و همانند اموال مثلی دارای هویت نوعی و ماهوی واحد است. منافع این مال با به‌کارگیری آن، جهت کشف یک امر ناپیدا استیفا می‌گردد. مانند استفاده از برنامه Windows برای به دست آوردن نتایج موردنظر.» (دکتر شهیدی، مهدی، همان منبع) بر اساس ماده ۵۹۰ قانون مدنی: «مثلی که در این قانون ذکر شده، عبارت از مالی است که نظایر آن نوع زیاد و شایع باشد، مانند حبوبات و غیر آن» فکری به‌مجرد خلق آن دارای حقوق غیرملموس و قابل استناد در مقابل همگان نسبت به اثر شناخته می‌شود. برای مثال: در کشورهایی مانند فرانسه و آلمان خلق یک اثر را ناشی از وجود یک خالق حقیقی می‌دانند، یعنی